

اوباما، نیتنیاہو- و جنگ علیه ایران



با بازدید نخست وزیر اسرائیل (بنجامین نیتنیاہو) از ایالات متحده آمریکا، حضور وی و رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا باراک اوباما در کنفرانس سالانه بزرگترین سازمان اشتهاری (AIPAC) طرفدار اسرائیل و همچنان تعدادی از تذکرات هر دو سیاستمدار در رابطه با گویا "تهدید از جانب ایران" موجی از کمپاین رسانه‌یی و تبلیغاتی دو قطب همسو را به نقطه اوج رسانید.

از یکجانب شخصیتهای بلند پایه و رهبران دولت اسرائیل حمله احتمالی بالای ایران را بدون تأخیر توصیف نموده و اضافه می کنند که چرا ایالات متحده آمریکا (همراه با اسرائیل) این عملیات را به راه اندازد. از جانب دیگر رهبری حکومت اوباما و به طور اخص اوباما خود کوشش می کند این دیدگاه را طفره رود که آمریکا نمیخواهد اسرائیل را در برابر هر یک از حمله‌ها از خارج حمایت کند. اوباما با صراحت لهجه اظهار داشت که: «طرح همه شیوه‌ها در دسترس قرار دارد».

کسی اجازه نخواهد داد که ایران به تولید سلاح اتمی پردازد. ولی هنوز که مطلب به آنجا نرسیده است. رهبران سیاسی جمهوریخواه در انتخابات آغاز یافته برای تعیین کاندیدای اصلی می خواهند با طبل نوازیهای کور کورانه شوونیستی در جهت راه اندازی جنگ با ایران تحمیل نفوذ نمایند. نیتنیاہو کوشش دارد تا این نیروهای سیاسی را برای مقاصد خودش به کار بندد.

در جانب مقابل اوباما علاقمندی ندارد تا انتخاب دوباره اش را در وضع کنونی به وسیله "جنگ افروزی" با خطر مواجه سازد. موصوف با همه نیرو تلاش کرد تا محافظه کار ترین حلقات جمهورینخواه طرفدار نیتینیا هو را به این اصل فراخواند که با کدام وجوه مالی (مصارف) و ذخایر انسانی، جنگی که در برابر ایران به راه انداخته می شود، وابسته است.

در مصاحبه یی با "شبکه الترناتیف نشرات رادیویی" (ARH) تحلیلگر سیاسی ایالات متحده امریکا (گلین گرینوالد) در رابطه با این معضله مطالبی را پیشکش کرد. در زیر متن این مصاحبه را که از طریق "شبکه الترناتیف" به نشر سپرده شده و ترجمه آلمانی آنرا خود انجام داده اند، با در نظر داشت دیدگاه جانب ایالات متحده، ارائه می داریم:

شبکه الترناتیف نشرات رادیویی:

آیا ما همین اکنون شاهد آماده گیهای برای جنگ در برابر ایران به منوال آماده گیها در سال ۲۰۰۳ برای جنگ در برابر عراق نیستیم؟

گلین گرینوالد:

متراذفها روشن است. اتهامات تقریباً همگون اند. اتهام اساسی در پیشواز جنگ عراق این بود که عراق سلاحهای کشتار جمعی و به خصوص سلاحهای اتمی را برای آزمایش آماده می سازد. ممکن است این ادعا بسیاری از انسانها را وادار به آن ساخته باشد تا جنگ عراق را پشتیبان شوند. اکنون همین ادعا در برابر ایران قرار دارد که در آنجا نیز در راه ساختن سلاح اتمی کار صورت می پذیرد. با وجودیکه حتی سازمانهای استخبارات ایالات متحده امریکا و در واقعیت همه سازمانهای استخبارات به شمول سازمان استخبارات اسرائیل می گویند که برای این ادعا در حال کنونی هیچ ثبوتی وجود ندارد که ایران تصمیم دارد به ساختن سلاح اتمی دست یازد. این ادعا به خاطر آن پخش می گردد تا فضای سیاسی را برای بروز جنگ مکرر سازند.

من به این نظر هستم که تناظر مرکزی درین امر نهفته است که ما در مورد ملتی صحبت می کنیم که کدام ملت دیگری را مورد تجاوز قرار نداده است و کدام ملت دیگری را تهدید نکرده است. بناءً مطلب روی "جنگ تدافعی" نه، بلکه "جنگ وقایوی" می چرخد. چنین بود وضع در زمان جنگ با عراق و همین است وضع در یک جنگ ممکن با ایران.

ولی بزرگترین تفاوت در آن است که آماده گیها برای حمله بالای عراق در آن زمان فقط از جانب ایالات متحده امریکا صورت پذیرفت. حکومت بووش طرح جنگ را ریخت، برای تطبیق آن تصمیم گرفت و پیشبرد آن را عهده دارشد. حکومت اوباما علاقمند واقعی داخل شدن به

جنگ در ایران نیست و اما فراكسيونهاي مختلفه همكار با اسرائيل و نيروهاي محافظه كار نوين ايالات متحده امريكا سعي مي ورزند تا جنگ را بالاي حكومت تعميل نمايند. اينست يگانه تفاوت. حكومت امريكا در طبل نوازي جنگ در ميان جنگ افروزان در قطار اول قرار ندارد.

شبکه الترناتيف نشرات راديويي:

براي ارايه تعدادي از فاكتها: ايران از جمله كشورهاي امضا كننده قرارداد منع گسترش سلاح اتمي (NPT) است و اداره نظارت آن يعني اداره بين المللي انرژي اتمي (IAEA) حق غني سازي يورانيوم را براي ايران به تعليق گذاشت، زيرا تعدادي از كنترولها هنوز صورت نپذيرفته اند كه بايد انجام پذيرند. مسائلي حل نشده وجود دارند. اکنون وضعيت در كدام حالي قرار دارد؟

گلين گرینوالد:

دقيق است كه ايران از جمله امضا كننده گان قرارداد منع گسترش سلاح اتميست. يكي از موارد مشخص و با اهميت اين قرار داد كه بسياري از كشورها را وادار به امضا ساخت، همانا جواز لايتناهي در راه تكامل انرژي اتمي و استفاده از آن براي مقاصد غير نظامي بود. بخشي از تعهدات كشورهاي عضو قرار داد اين است، تا خود بپذيرند كه كنترول به وسيله اداره بين المللي انرژي اتمي را غرض تأمين اين امر كه هيچگونه تحقيقات اتمي در كشور مربوطه در جهت تكامل سلاح اتمي صورت نپذيرد، مساعد گرداند. اينست حقيقت پر اهميتي در باره ايران، زيرا ايران همه تاسيسات اتمي اش را در برابر اداره بين المللي انرژي اتمي در اختيار گذاشت. در داخل هر يك از تاسيسات اتمي ناظراني وجود دارند و از همين ناحيه براي ايران نا ممكن است كه به ساختن سلاح اتمي بپردازد، بدون آنكه عمل شان بلا فاصله از ديده ناظران در محل مستور ماند. اداره بين المللي انرژي اتمي با دقت تمام متوجه است كه نبايد كدام پروسه يي در جهت غني سازي يورانيوم و يا پلوتونيوم به خاطر توليد سلاح اتمي در تاسيسات هستوي ايران، عملي گردد.

شبکه الترناتيف نشرات راديويي:

مي خواستم در مورد چه گونه گي حمله بر ايران معلومات حاصل كنم كه آيا اين حمله از جانب نيروهاي هوايي اسرائيل طور مجرد انجام مي پذيرد و يا اين كه ايالات متحده امريكا نيز همكاري دارد. من به اين تصور هستم كه در مباحثات در ايالات متحده چنين تعبير مي گردد كه با داشتن تفوق تكنالوژيك ما و اسرائيل قادر هستيم، تاسيسات هستوي آنان را نابود گردانيم. همانطور كه در سال ۱۹۸۱ يكبار در عراق به اثبات رسيد. «افراهيم حليوي» كه از سال ۲۰۰۲ آمر موساد (خدمات استخبارات اسرائيل) است اندكي پيش اظهار داشت كه: "حمله بالاي ايران ممكن است نه تنها بالاي اسرائيل، بلكه بالاي مجموع منطقه تا صد سال ديگر تأثير گذار باشد". موصوف فراتر از اين اظهار داشت كه ممانعت در راه مبدل شدن ايران به يك قدرت

اتومی، امریست طبیعی، ولی قابلیت‌های شان برای رسیدن به این امر "فرسنگها از تهدید به نابودی" فاصله دارد". جانشین وی (مییرداگان) می گوید: "حمله نظامی برای ایرانیها خوبترین دلیل برای مسابقه تسلیحاتی اتومی خواهد بود". موصوف حمله هوایی بر تأسیسات اتومی ایران را در جایگاه "احمقانه ترین گامی که شنیده ام" قرار داد.

آیا این امر مبین یک گودال عمیق میان معتقدات و خیالپردازیها در مورد نتایج پیشداورانه حمله بر ایران در رسانه های ما نیست؟ آیا ما قدرت تفکر آن را داریم که بدانیم ریسکهای وابسته به آن کدامها خواهند بود؟

گلین گرینوالد:

آنچه به گونه عنعنوی در گفتمانهای سیاسی ایالات متحده آمریکا رخ می دهد، ترسیم نمودن جنگ در جایگاه یک ماموریت ساده، پاک و بی جنجال است. علت آنکه می توانند این مفکوره را در میان مردم بقبولانند اینست که صرف یک بخش محدود مردم از تجارب جسته و گریخته جنگ آگاهی دارند. زیرا در حال حاضر جنگهای آمریکا چنان سازماندهی می شوند که فقط یک بخش کوچک مردم با سرزمینهای جنگ زده آشنایی حاصل می کنند. من معتقدم که امریکایی ایالات متحده چنان تصویری را از جنگ در برابرش ترسیم می کند که در وجود اعزام طیارات بدون پیلوت، پرتاب چند بم از طیارات با پیلوت بالای ایران انجام شده و بدینوسیله می شود که برنامه اتومی ایران را نابود کرد. همانطوریکه گفتید، تذکرات موساد بیانگر آنست که واقعیت اختلاف کامل با تصورات دارد.

در واشنگتن پست تبصره دلچسپی از کالین کال به نظر می خورد. کال یکی از مامورین اسبق پنتاگون در حکومت اوباما است. موصوف به این مطلب اشاره می کند که حمله اسرائیل بالای تأسیسات اتومی عراق در سال ۱۹۸۱- عراقیها می گفتند که هدف استفاده از این تأسیسات فقط برای مقاصد غیر نظامی است؛ اسرائیلیها ادعا می کردند که از این تأسیسات به مقصد تولید سلاح اتومی استفاده میشود - کاملاً بر عکس بوده است. زمانیکه اسرائیل در سال ۱۹۸۱ بالای تأسیسات اتومی عراق حمله کرد، آشکار گردید که صدام حسین در هیچ مقطع زمانی و در هیچ محلی سروکاری با ساختن بم اتومی نداشته است. ولی این همان حمله است که وی را متوجه می سازد که فقط به وسیله سلاح اتومی می توان در سیاست جهانی مقام خوبی را احراز کرد. در سال ۱۹۹۱ هنگام راندن نیروهای اردوی عراق از کویت و شکست عراق، ایالات متحده آمریکا امکانات آن را به دست آورد تا در تعدادی از این لابراتوارهای تحقیقاتی راه یابد و سر انجام هراسان از آن بودند که عراق تا کدام حد نزدیک قادر به ساختن سلاح اتومی بود. در حال حاضر ما باز هم در چنین موقفی قرار داریم. به وسیله زورگویی و تهدید دوامدار، ما با تکانه های

جدید، زمینه های آنرا برای این کشورها مساعد می سازیم تا به تکامل سلاح اتمی مبادرت ورزند.

حمله بالای عراق در سال ۱۹۸۱ یکی از ماموریت‌های خطیر به حساب می آید، یعنی: دخول به حریم فضایی عراق و تخریب تأسیسات اتمی. تطبیق چنین عملی در ایران به مراتب مشکلتر است. زیرا فاصله دورتر است و خارج از چوکاتِ قابلیتِ رسانیدن مواد سوخت به طیارات جت جنگی اسرائیلی می باشد. در اینجا صحبت صرف از یک دستگاه نیست، بلکه دستگاه های متعددی که در محلات مختلف و در تمام کشور ایجاد شده اند. تعدادی از آنها در مناطق کوهستانی و در درون کوهستانها قرار دارند. این امر طالب نیروی انفجاری خارق العاده است. فرجام چنین حمله تحت همین شرایط از قبل تعیین شده نمی تواند و از همینجاست که طراحان نظامی و مامورین «موساد» از عواقب آن سخت در هراس اند. فراموش نباید کرد که ایران دارای ظرفیت بزرگتر حمله متقابل است تا این که عراق در آن زمان به آن دست داشته است.

بناءً روی آنچه صحبت می کنیم حمله وسیعی است که در مستلزم اعزام نیروهای زمینی و هوایی خلیهها بزرگ خواهد بود. و این خود تضمینی برای از بین بردن برنامه اتمی ایران نخواهد بود. اگر نگاهی به عراق بی اندازیم، ممکن است چنین حمله در جهت مخالف آن سیر کند که همین اکنون مشهود است.

شبکه الترناتیف نشرات رادیویی:

آیا شما به این نظر نیستید که چنین عملی وحدت مردم را در ایران تقویت نموده و باعث ثبات رهبری ایران گردد؟

گلین گرینوالد:

این امر شاید یکی از تأثیرات ناگوار آن باشد. ما در مباحثات رسانه یی خویش در ایالات متحده آمریکا اپوزیسیون ایران را به کرات در جایگاه غرب پرستان و فراکسیونهای سیاسی لیبرال و یا ریفورمیستها قرار داده ایم – تا حدودی این مطلب را وارد می دانم. ولی این امر نیز واقعیت دارد که همه نیروهای سیاسی مصمم اند تا برنامه اتمی ایران به این دلیل تعقیب گردد که ایران حق غیر محدود استفاده از یک برنامه رشد انرژی اتمی را دارد و حکومت‌های کلیه کشورهای جهان درین زمینه با ایران همنظر هستند.

هرگاهی نظری به حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیاندازید، می بینید که این حادثه یکروزه که به وسیله یک سازمان غیر دولتی به راه انداخته شد، باعث گردید تا مردم سرتاسر کشور، به خصوص آن افرادی که در گذشته به جورج دبلیو بوش و حزب جمهوریخواه بد بین بودند، اینک

به دور حکومت و رهبری آن، خلاصه به دور بووش، دیک چینی و حزب جمهوریخواه حلقه ززند. اینگونه مثالها در صورتی تکرار می شوند که ملتی از خارج مورد تهاجم قرارگیرد. بناءً لقمه چرب تری ازین برای ملای محافظه کار و نخبه گان مسلط در ایران وجود ندارد، هرگاهی در یک عمل مشترک ایالات متحده آمریکا و اسرائیل دست به حمله بزنند. این عمل باعث عدم رضایت روز افزون در رابطه با وضع اقتصادی و سایر مسایل در میان مردم نخواهد شد و این همان مردمی است که بیشتر از پیش به دور رهبران محافظه کارشان متحد می گردند. این امر فقط در مورد ایران نه، بلکه در مورد کشورهای عربی نیز همگون است.

شبکه الترناتیف نشرات رادیویی:

توافق نظر میان سازمانهای استخباراتی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل وجود دارد که ایران کوشش آن را ندارد تا دست به ساختن سلاح اتمی بزند. اکثریت تحلیلگران این حلقات معتقد اند که ایران فقط سعی دارد تا "قابلیت ابتدایی" را نصیب گردد، البته آن قابلیت که امکان تولید سلاح اتمی را مساعد می گرداند و آنها در صورتیکه درین زمینه کدام تصمیمی اتخاذ شده باشد. ولی من گزارشهای متعددی را از طریق رسانه های ایالات متحده آمریکا دیده ام که این مطلب راتصویب شده جا می زنند که ایران در حالت کنونی مخفیانه سلاح اتمی تولید می کند.

می خواهم اندکی به گذشته برگردم. شما باری از یک نبشته یی از نیویارک تایمز در ماه جنوری نقل قول کردید. یکی از ژورنالیستهای اسرائیلی (رولاند بیرگمن) در آنجا می نویسد: "در عمل ایران یک ملتی است که رهبران آن نابود کردن اسرائیل را در جایگاه هدف استراتژیک شان قرار داده اند". این مطلب را من بخشی از کارزار تبلیغاتی می دانم که در مقایسه با دوران جنگ سرد، در پشت آن، نظریه ویرانی دو جانبه در موجودیت این "ملاهای جنون زده" قرار دارد و ضامن هیچگونه وسیله یی برای گوشمالی مؤثرنیست، زیرا ملاهای نامبرده به خاطر رسیدن به درجه شهادت از هیچ امری به خاطر حمله متقابلاً ممکن ابا نخواهند ورزید. آیا شما می توانید در برابر این ادعا که آنان هراسی از هیچگونه آسیب انسانی به خاطر زنده گی خودشان و زنده گی شهروندان شان ندارند، ابراز نظر کنید؟

گلین گرینوالد:

اگر اندکی با تعمق برخورد کنیم، می بینیم که طور واضح و غیر قابل تصور در پشت این دیدگاه چه خود فریبیهایی وجود دارند. از یکسو هرگاهی ایرانیها واقعاً رژیم را ایجاد می کردند که به نابودی یهودیها پردازند و از عواقب آن باکی نداشته باشند، در آن موقفی قرار داشتند تا به ساده گی ۲۵/۰۰۰ یهودی را که کاملاً مرفه و صلح آمیز در ایران زنده گی می کنند، جمع نموده و نابود سازند. ولی چنین امری صورت نمی پذیرد. هدفم اصلاً این نیست که من این

مطلب را به شیوه رومانتیک آن ارایه دارم، ولی دیده می شود که یک تن از یهودان در پارلمان ایران عضویت دارد، در ایران آزادی دین وجود دارد و حکومت برای اتباع خویش حقوق مدنی حد اکثر را تضمین می کند. بناءً اگر رژیم ایران در جایگاه همسویی با تسلط نازیها بررسی می گردد (طوریکه نیتنیاهاو به کرات از آن یادآوری می کند)، موجودیت این همه مطالب ممکن نمی بود.

باز هم بر می گردم به سوال شما: هرگاهی شما به مثابه پیش شرط در مورد کشوری ادعا می کنید که در گنه خویش به انتحار متمایل است، در آنصورت مطلب روشن است که ایران در صورت استفاده از سلاح اتمی علیه اسرائیل و یا ایالات متحده امریکا نابودی کشورخودش را طور مطمئن راه اندازی می کند. اسرائیل قابلیت وارد آوردن حمله دومی را دارد که با اطمینان، ایالات متحده امریکا نیز درین حمله با اسرائیل مشارکت دارد.

هرگاهی این مطلب به واقعیت نزدیک باشد که رهبری ایران در همه ابعادش به گونه انتحاری عمل کند و آماده گی آنرا داشته باشد تا نابودی کامل کشورش را متقبل شود، در آنصورت می توانست در مدت زمان تاریخی سی و یک سال که از انقلاب ایران و احراز قدرت به وسیله تئوکراتها می گذرد، نشانه هایی از گرایش به سوی این عمل مشاهده گردد. ولی هیچ موردی درین رابطه به مشاهده نمی رسد. ایران درین مدت زمان کدام کشور دیگری را اشغال نکرد، در مقایسه با ایران، اسرائیل و ایالات متحده امریکا تعداد زیادی از کشورها را یا تصرف و یا مورد بمباردمان قرار دادند. رژیم ایران خلیجها با سنجش و محتاطانه روابط با سایر کشورهای جهان را پیریزی کرد، با چین و روسیه و سایرکشورها چون ونیزویلا. آنان خلیجها مدبرانه در تأمین و تحکیم پایه های قدرت شان عمل می کنند. این رهبری به کرات نشان داد که آنها مصروف مطالبی هستند که همانا رهبران سیاسی درهریک ازکشورها به آن علاقمند هستند: میخواهند ساحة قدرت شان را گسترش بخشیده و به تداوم رژیم شان پردازند. بالاخره این یک شیوه تفکر سالم است، و اینست آنچه که رهبری ایران در عمل به اثبات می رساند.

شبکه الترناتیف نشرات رادیویی:

در حال کنونی رئیس جمهور احمدی نژاد به طور متناوب گفته های "تفتین آمیزی" را پیشکش می کند. من موصوف را در جایگاه یک مذهبی رادیکال قرار می دهم و چنین مذهبیهای رادیکال در ذات خود خطرناک اند، صرفنظر از آنکه وابسته به کدام دین و یا فرهنگ اند. ولی برای ما این امر درخور اهمیت است تا بدانیم که موصوف بالای نیروهای مسلح ایران نقش کنترل کننده را دارد یا نه، آیا شما تصدیق می دارید؟

گلین گرینوالد:

خیر، کسیکه در ایران صلاحیت قومانده، به خصوص در بخشهای سیاست خارجی و امور نظامی را دارد، دارنده لقب "رهبر بزرگ" است. و این شخص آیت الله خامنه‌یی است. لقب وی بیانگر مقام پر قدرت وی است. احمدی نژاد در ترکیب رهبری ایران فرد سوم و یا چهارم است. در اخیر هفته گذشته انتخابات پارلمان بود و طی آن طرفداران و دوستان وی آرای کمتر از گذشته را نصیب شدند، درین میان خواهر وی نیز کاندید انتخابات پارلمان بود که به شکست مواجه شد. احمدی نژاد از طریق رقیبهایش به شیوه‌های مختلف دچار ضعف گردیده است.

ولی بگذارید باز هم یک گام به عقب برگردیم و یک رابطه دیگری را توضیح نمائیم. به طور دایمی در مورد گفته اش "ما می‌خواهیم اسرائیل را از نقشه [تاریخی] حذف نمائیم". درین رابطه ضرور است تا نظری به تعدادی از متحدین ایالات متحده آمریکا در منطقه بیاندازیم، همان کشورهاییکه از جانب کشور ما تسلیح، تمویل، پشتیبانی، تقویه و محافظه می‌گردند، همان کشورهایی اند که از جانب راست ترین نیروهای رادیکال مذهبی رهبری می‌شوند - به گونه مثال می‌توان از عربستان سعودی یادآور شد.

هرگاهی به وب سایت امارات متحده عربی که از مدت زمانی متحد نزدیک ایالات متحده آمریکا است، مراجعه کنید، می‌بینید که در صفحه مخصوص مهاجرت توضیحی درج است که اسرائیلیها حق مهاجرت را ندارند و کلمه اسرائیل در بین گیمه قرار داده شده است، زیرا امارات متحده عربی نیز موجودیت حقوقی اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند. به نظر آنان نقشه واقعی جهان همان خواهد بود که اسرائیل در آن وجود نداشته باشد. این امر در مورد بسیاری از کشورها در شرق نزدیک صدق می‌کند.

از همینجاست که احمدی نژاد فقط آن حرفی را بازگو می‌کند که دکترین سیاسی متداول در بسیاری از کشورهای رادیکال اسلامی است، در حالیکه اظهارات موصوف با توسل به لحن شدید، همانا تکراری، تفتین آمیز و یورشگرانه است. این دکترین صراحت دارد که اسرائیل کدام دولت قانونی نیست و این هم صراحت دارد که هدف سیاسی کشورهای اسلامی آن است تا اسرائیل را از نقشه [سیاسی] حذف نموده و آن را نابود سازند.

و اما میان این حرف و حمله نظامی بالای اسرائیل و نابود کردن آن فرسخها فاصله وجود دارد. ولی یک جهان فاصله با این نظر و نابودی اسرائیل قرار دارد، زیرا نابودی خودشان نیز مشهود است. به همین لحاظ یک قدرت تیز اندیش، مدنی و نیرومند نخست به قلقله‌های سیاسی گوش فرا می‌دهد و بعداً با تحلیل جنبه‌های مثبت و منفی آن تصمیم می‌گیرد. این مفکوره که ایران در صورت ضرورت بر اسرائیل حمله خواهد کرد و یا این که تهدید به عدم موجودیت اسرائیل می‌کند، رابطه دارد با آنکه رهبری ایران موجودیت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد

و این امر به طور ساده با در نظر داشت وضعیت عمومی مسلط درین منطقه جهان وضاحت بیشتر دارد.

شبکه الترناتیف نشرات رادیویی:

من اصلاً نمیخواستم از احمدی نژاد حمایت کنم، ولی می خواستم به این مطلب اشاره کنم که جوان کول یکی از کار شناسهای شرق نزدیک ثابت کرد که نقل قول احمدی نژاد یکی از گفته های آیت الله خمینی از سالهای ۷۰ سده پار است. می خواستم اندکی در مورد برخورد ایالات متحده آمریکا بگویم. شما در اخیر این هفته نوشتید که باراک اوباما در یکی از مصاحبه های اخیرش با جفری گولدبیرگ (اتلانتیک) "تهدید مطلق و غیر قابل تردید در زمینه حمله بر ایران را اعلام داشته و اضافه کرد که حمله نه به خاطر آنکه ایران حمله ور شود و یا طرحهایی برای حمله بر کشور دیگری داشته باشد، بلکه مطلب روی آن می چرخد که ایران سلاح اتمی تولید خواهد کرد". آیا بامن هم نظر هستید، زیرا من اندکی شک دارم که این موضعگیری واقعاً موضعگیری دگرگونه با اسرائیل باشد، جایکه پیش ازین اظهارات، مساعی ایران را غیر قابل عملی دانسته اند و یا این که این اظهارات "تفتین مشهود" است؟

گلین گرینوالد:

ببینید، درین زمینه زیگنالهای مختلفی وجود داشت و حکومت اوباما در رابطه با عدم تخطی از خط سرخ صحبت می کرد، یعنی در صورتیکه ایران عبور ازین خط سرخ را مجاز شمارد، نقطه آغازین برای تهاجم ایالات متحده آمریکا به ایران تسجیل می گردد. گفته هایی از هیلری کلینتن وزیر امور خارجه و سایر مقامات حکومتی همان فورمولبندیهای اسرائیل را تائید می کند که "غیر قابل پذیرش است تا ایران بتواند به تکامل زمینه ها برای تولید سلاح اتمی بپردازد". البته که با تکامل زمینه ها آن قابلیت تعریف می شود که در مدت زمان کوتاهی منتج به تولید سلاح اتمی می گردد.

ولی رئیس جمهور اوباما با دقت تمام متوجه این مطلب شده و بذل مساعی مشخص در جهت رسیدن به سلاح اتمی را در جایگاه "خط سرخ" مشخص ساخت - خلاصه این که اتخاذ تصمیم در مورد ساختن و فعالیت در زمینه مشخصات ساختاری سلاح اتمی. بناءً همین مطلب یگانه علتی است که حکومتهای اسرائیل و ایالات متحده آمریکا با هم همنظر نیستند. حکومت اسرائیل ادعا می کند که با از دست دادن فرصت برایش خلیهها دشوار خواهد بود تا بر ایران حمله کند. زیرا ایران در آن زمان قابلیت آن را خواهد داشت تا بتواند سریعاً به ساختن بم اتمی بپردازد و علاوه بر این در مقایسه با قابلیتهای نظامی اسرائیل در صورت بروز کدام حمله، قویتر از پیش قادر به دفاع باشد. زیرا اسرائیل کاملاً وابسته به ایالات متحده آمریکا است. ولی

رهبری اسرائیل به هیچ وجه نمیخواهد که در موقف وابسته با ایالات متحده آمریکا قرار داشته باشد. به همین دلیل است که آنان نمیخواهند بیش ازین منتظر باشند.

استدلال متقابل اواما درین رابطه آنست که اسرائیل نباید ازین جهت نگران باشد، زیرا وی می گوید که "من به شما وعده دقیق می دهم که این تهدید را توضیح می دارم: ما حمله خواهیم کرد، هرگاهی ایران دست به تولید سلاح اتومی بزند". موصوف در همان مصاحبه با «جفری گولدبیرگ» گفت: «من فکرمی کنم که پیش ازین ثابت کرده ام که من به حیث رئیس جمهور به کجراهه نمیروم».